

توسعه اقتصادی: رویکردی اسلامی

Economic Development: An Islamic Approach

توسعه اقتصادی اصطلاحی است که از دهه چهارم قرن بیستم میلادی در اقتصاد رواج یافته است و می‌توان آن را فرایند تغییر از وضع موجود به سمت وضع مطلوب دانست. هیچ توافقی در مورد اینکه شرایط مطلوب چیست وجود ندارد. بنابراین، بسیاری معتقدند که توسعه مفهومی ارزشی است. بنابراین، هر جامعه‌ای می‌تواند براساس اصول و ارزش‌های خویش شرایط مطلوب و مسیر حرکت را مشخص سازد. هر چند اندیشمندان مسلمان بر این عقیده‌اند که توسعه موردنظر اسلام با توسعه رخ داده در مغرب‌زمین تفاوت‌های قابل‌توجهی دارد، اما عموماً توسعه اقتصادی به صورت کلی امری لازم و مطلوب تلقی شده است. در این زمینه به‌طور معمول به آیاتی از قرآن کریم که آبادانی زمین به‌وسیله انسان را ترغیب کرده یا ناظر بر نعمت‌های خداوند بر انسان‌ها در زمین است (مانند: هود: ۶۱، اعراف: ۱۰، ملک: ۱۵، حدید: ۷ و لقمان: ۲۰)، (العسل، ۱۳۷۸: ۷۸) و روایاتی که بر آبادانی، سرمایه‌گذاری، تجارت، توجه به سلامت جسمی و محیطی و رفاه عمومی تأکید کرده استناد شده است (مصباحی و عربی، ۱۳۷۷: ۶۳-۶۵).

تحولات مفهوم توسعه

در ابتدا توسعه‌یافتگی در گرو تحقق رشد اقتصادی تلقی می‌شد. رشد اقتصادی نیز در گرو سرمایه‌گذاری است که باید از محل پس‌انداز تأمین شود. سرمایه مالی ناشی از پس‌انداز در کنار سرمایه‌های فیزیکی مولود تغییرات تکنولوژی و فناوری به رشد اقتصادی منجر می‌شود که در شاخص‌هایی مانند افزایش درآمد ملی نمایان خواهد شد. تجربیات کشورهای در حال توسعه در دهه‌های پنجاه و شصت و دست نیافتن آن‌ها به توسعه واقعی موجب تغییر نگرش‌هایی در مفهوم توسعه شد. به تدریج و پی‌درپی قیودی

مانند رشد اقتصادی همراه با تغییرات کیفی در ساختارهای اقتصادی، رشد اقتصادی درون‌زا، رشد اقتصادی همراه با بهبودی توزیع درآمد و وضعیت فقرا بر آن افزوده شد. برخی مشکلات در کشورهای پیشرفته مانند تخریب محیط زیست و ابزاری انگاشته شدن انسان نیز موجب شد تا همراهی رشد با حفظ محیط‌زیست و همسویی آن با انسان به عنوان هدف نه به‌عنوان ابزار مدنظر قرار گیرد و در مفهوم توسعه پایدار به نوعی ظهور یابد. این تغییرات باعث شد که تلقی بسط و ساده‌ای که توسعه اقتصادی را در گرو انباشت سرمایه مالی و فیزیکی می‌دانست در اواخر قرن بیستم بسیار دگرگون شود و حتی سرمایه نیز مفهومی گسترده‌تر یابد، به‌طوری که حتی سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی عوامل مهم‌تری در تحقق توسعه به‌شمار آیند (عربی و لشکری، ۱۳۸۳: ۵۵-۲۵).

توسعه هدف نهایی نیست

در دیدگاه اسلامی اقتصاد هدف نهایی نیست؛ بلکه وسیله است (مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). بنابراین، شکوفایی، پیشرفت و توسعه اقتصادی خود هدف غایی نیست بلکه باید به‌عنوان وسیله‌ای در خدمت سعادت انسان باشد (الریشهری، ۱۴۲۲ق: ۳۸). هر چند ممکن است چنین تلقی شود که توسعه اقتصادی متعارف در مغرب‌زمین نیز توسعه اقتصادی را در خدمت سعادت و خوشبختی انسان می‌داند، اما توجه به تفاوت ماهوی تلقی دیدگاه اسلام در مورد سعادت با دیدگاه اقتصاد متعارف، تفاوت‌ها را به‌خوبی آشکار می‌سازد. دیدگاه مادی‌گرایانه اقتصاد متعارف انسان را موجودی صرفاً مادی و این‌دنیایی می‌شمارد یا دست‌کم ابعاد معنوی و روحی وی را نادیده می‌گیرد (عربی، ۲۰۱۶: ۱۹۳ و ۱۹۴؛ گاسپر، ۲۰۰۵: ۲۰۲ و کراکر، ۱۹۹۲: ۵۹۱-۵۹۰) و سعادت به خوشبختی تقلیل می‌یابد و آن نیز به لذت یا رضایتمندی (ارضای ترجیحات) یا برخی عناصر تشکیل‌دهنده زندگی خوب در این دنیا تبدیل می‌شود. اما در دیدگاه اسلامی انسان دارای دو بعد مادی (جسمی) و معنوی

تکامل لزوماً در انزوا و عزلت انجام نمی‌شود بلکه انسان در زندگی اجتماعی این مسیر را طی می‌کند و به مقام قرب می‌رسد. از منظر اسلام این بازگشت الی‌الله غایت تمامی افعال و حرکت‌های فردی و اجتماعی انسان است. بنابراین، توسعه اقتصادی موردنظر اسلام نیز از این قاعده مستثنی نیست و باید چنان سروسامان یابد که امکان خداگونگی را برای انسان میسر سازد.

در دیدگاه اسلامی سعادت انسان در کمال یافتن او است و از آنجا که انسان دارای دو بعد جسمی و روحی است، بنابراین، کمال انسان شامل کمال جسمی و روحی وی می‌شود. انسان سعادت‌مند انسانی است که هم از نظر جسمی و آنچه به بعد جسمی او مربوط می‌شود رشد و کمال یافته باشد و هم در بعد روحی و آنچه به روح انسان مربوط می‌شود به کمال رسیده باشد. در این صورت تمامی استعدادهای جسمی و روحی انسان شکوفا خواهد شد (عربی، ۱۳۹۰). بنابراین، توسعه در اسلام باید به گونه‌ای باشد که رشد و کمال دو بعد انسان را میسر سازد (الریشه‌ری، ۱۴۲۲ق: ۳۹). از این رو عرصه‌ها و قلمروهای پیشرفت در دیدگاه اسلامی صرفاً در عرصه زندگی این دنیایی منحصر نمی‌شود، بلکه شامل عرصه‌های فکر، علم، زندگی و معنویت می‌شود. عرصه زندگی که شامل رفاه، امنیت، عدالت و مانند این‌ها می‌شود تنها یکی از این عرصه‌ها است (خامنه‌ای، ۱۳۹۰: ۱۱-۱۳). بنابراین، شاخص‌های اندازه‌گیری توسعه نیز متفاوت و متکثر خواهد بود. این شاخص‌ها کمال انسان در ابعاد جسمی و روحی، فردی و اجتماعی را نمایان می‌سازند.

ویژگی‌های توسعه اسلامی

توسعه اقتصادی موردنظر اسلام دارای ویژگی‌هایی است که فراگیری، تعادل، واقع‌گرایی، عدالت، مسئولیت، کفایت و

(روحی) است. بعد مادی نمادی از خواسته‌های دنیوی، غریزی و تمایلات این دنیایی است و بعد روحانی گوهر انسان و نیروی اختیار وی است که انسان را به سوی مبدأ اصلی خود می‌کشاند. انسان با این خصلت تمایل دارد تا از حالت بشر بودن به سمت انسان شدن حرکت کند. انسان سعادت‌مند از منظر اسلام انسانی است که هم از نظر جسمی و مادی و هم از نظر معنوی و روحی به کمال رسیده باشد (عربی، ۱۳۹۰: ۶۱-۸۷). از این رو، قرآن کریم (طه: ۱۲۴) زندگی انسانی را که همراه با اعراض از یاد خداوند است (یعنی همراه با کمال روحی انسان نیست) زندگی گوارا نمی‌شمارد و بلکه آن را ناگوار می‌داند هر چند ممکن است از نظر مادی اسباب آسایش زندگی برایش فراهم باشد.

سعادت انسان هدف غایی توسعه از نظر اسلام

امام خمینی در جایگاه برجسته‌ترین اسلام‌شناس در دوره معاصر، هدف توسعه را افزایش «معرفه‌الله» می‌داند (موسوی خمینی، ۱۳۶۸: ۸ و ۸۴). از نظر وی ساخته شدن انسان با همه ابعاد مادی و معنوی‌اش تعدیل مادیات به گونه‌ای که به الهیات و معنویات بیانجامد در فرآیند توسعه اتفاق می‌افتد (همان: ۲ و ۲۵۵). از این رو است که دستیابی به توسعه حقیقی، کامل و فراگیر هنگامی ممکن و قابل‌دسترس خواهد بود که اسلام در جایگاه مکتب جامع و کامل در تمام ساحت‌های فردی و اجتماعی و همه شئون مادی و معنوی جامعه پیاده شود و عینیت یابد (همان: ۱۰ و ۱۹۴). در دیدگاه اسلامی انسان خلیفه‌الله و جانشین خداوند در زمین است و این جانشینی زمانی تحقق می‌یابد که انسان خداگونه شود. این خداگونگی در گرو بازگشت اختیاری انسان به الله در همین دنیا است تا از او (انا لله) باشد و به سوی او (انا الیه) در همین دنیا بازگردد (راجعون)، (بقره: ۱۵۶) و در مقام قرب فی مقعد صدق (قمر: ۵۵) قرار گیرد. از نظر اسلام این

بازار و نظام قیمت‌ها، تخصیص بهینه منابع را راه تحقق توسعه می‌دانند. برخی دیگر اقتصاد باز و تجارت آزاد را محور قرار می‌دهند. راهبرد توسعه صنعتی، راهبرد توسعه کشاورزی، راهبرد توسعه مبتنی بر توزیع مجدد درآمد و ثروت و راهبردهای مبتنی بر تغییرات نهادی و ساختاری راهبردهای دیگری در توسعه هستند. راهبردهای کمونیستی و سوسیالیستی نیز از جمله راهبردهای توسعه محسوب می‌شوند. به هر حال آیا از نظر اسلام راهبردی برای توسعه پیشنهاد می‌شود؟ نخست آنکه، انتظار مستقیم از دین این نیست که به‌طور مستقیم در حوزه راهبردها، که معمولاً با توجه به شرایط زمانی و مکانی متفاوتند، ایفای نقش کند. اما به‌طور یقین اصول و اهداف موردنظر اسلام باید در هر یک از راهبردها موردتوجه قرار گیرد. با این حال بر اساس آموزه‌های اسلام و شرایط کشورها می‌توان راهبردهایی را تدوین کرد که با آموزه‌ها و اهداف اسلام سازگاری داشته یا سازگاری بیشتری داشته باشند. به‌علاوه، ویژگی‌های توسعه موردنظر اسلام نیز باید در فرایند توسعه و تدوین برنامه‌ها موردتوجه باشد. از طرفی تدوین راهبرد و استراتژی امری معطوف به واقعیات است و شرایط واقعی جوامع در آن نقش بسزایی دارد به‌طوری که نمی‌تواند صرفاً به‌صورت انتزاعی طراحی شود. از طرف دیگر، رسیدن به راهبرد و استراتژی مستلزم ورود عینی به عرصه مدیریت جامعه است، به‌ویژه جوامعی که در آن رفتارها و نهادها منطبق با اصول اسلامی باشد و چنین امری فقط در چند دهه اخیر در معدودی از کشورهای اسلامی فراهم شده است. بنابراین، متأسفانه در این زمینه هنوز اقتصاددانان مسلمان در ابتدای راه هستند.

به اعتقاد عمر چپرا اجزای مهم راهبرد اسلامی برای توسعه اقتصادی در چهار عنصر به‌هم‌پیوسته است (چپرا، ۱۳۸۳: ۱۵۴-۱۴۹). اولین عنصر پالایش عادلانه مطالبات

انسان‌گرایی از مهم‌ترین آن‌ها است (العسل، ۱۳۷۸: ۸۸-۹۷). فراگیری بدین‌معنی است که نه‌تنها نیازهای جسمی و روحی انسان مدنظر قرار می‌گیرد بلکه نیازهای جسمی و مادی انسان نیز به‌صورت فراگیر (خوراک، پوشاک، مسکن، آموزش، بهداشت و درمان، تفریحات، کار، آزادی‌های مشروع) موردتوجه است. دومین ویژگی تعادل است که مستلزم توجه به تمامی نیازهای مادی و معنوی انسان به‌صورت متعادل است. به‌علاوه جنبه‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در فرایند توسعه به‌صورت متعادل موردتوجه هستند. واقع‌گرایی ایجاب می‌کند که در عین توجه به آرمان‌ها در فرایند توسعه و اتخاذ روش‌ها و برنامه‌ها، باید به واقعیات توجه کرد و برنامه‌ها را متناسب با واقعیات تنظیم کرد. عدالت در کنار تعادل و واقع‌گرایی بدین‌معنی است که همواره باید برخورداری همه افراد از ثمرات رشد موردتوجه باشد و عدالت قربانی رشد فزاینده نشود. مسئولیت فرد در برابر خود، جامعه و دولت و مسئولیت دولت در مقابل جامعه و افراد از دیگر ویژگی‌های توسعه موردنظر اسلام است. کفایت مستلزم آن است که در فرایند توسعه تأمین زندگی افراد در حد کفاف موردتوجه قرار گیرد. انسان‌گرایی به‌معنی اومانیسم غربی نیست بلکه بدین‌معنی است که هدف توسعه باید کمال انسان باشد، بنابراین، توسعه انسان به‌صورت همه‌جانبه باید مدنظر قرار گیرد و انسان‌ها ابزاری در جهت تولید و تکثیر ثروت نباشند (همان).

راهبردهای توسعه

از سوی اقتصاددانان توسعه بر اساس دیدگاه‌های گوناگون و تجارب به‌دست‌آمده در طی بیش از نیم قرن گذشته راهبردهای متعددی برای توسعه اقتصادی ارائه و آن‌ها را به شکل‌های گوناگون طبقه‌بندی کرده‌اند. برخی با محوریت

اضافی است. از آنجا که خواسته‌ها و مطالبات نامحدود بشر نمی‌تواند با منابع محدود فعلی بشر تأمین شود و سازوکار قیمت و نظام بازار نیز نمی‌تواند مطالبات اضافی را به شیوه‌ای عادلانه حذف کند عنصری نیاز است که در حذف مطالبات اضافی عدالت تضمین شود. این عنصر همان اخلاقیات اسلامی است که می‌تواند هم ترجیحات افراد را اصلاح و تعدیل کند و هم در فرایندهای اداری از اعمال نفوذهای ثروت و قدرت جلوگیری کند. دومین عنصر انگیزه است که بتواند تحقق پالایش عادلانه مطالبات اضافی را تضمین کند. عنصر انگیزه به دلیل ایمان و اعتقاد به مسئولیت فرد در مقابل خداوند ایجاد و تقویت می‌شود. به علاوه ارزش‌های اسلامی (کرامت، سخاوت، قناعت، اخوت ایمانی، ...) در کنار احکام اسلامی می‌تواند عنصر انگیزشی را تضمین کند. سومین عنصر تجدید ساختار اجتماعی - اقتصادی است. این تجدید ساختار شامل: ۱- ارتقای عامل انسانی که بتواند نقش فعال و سازنده‌ای در تخصیص بهینه و عادلانه منابع ایفا کند، ۲- کاهش تمرکز مالکیت ابزارهای تولید تا تحقق عنصر انگیزشی و نقش تحول اخلاقی تضمین شود، ۳- حذف یا حداقل کردن مصارف اسراف‌کارانه در بخش خصوصی و دولتی تا پس‌اندازها افزایش یافته و منابع لازم برای سرمایه‌گذاری فراهم شود، ۴- اصلاح سیستم مالی تا افراد بتوانند نقش سازنده‌ای در تجدید ساختار اجتماعی - اقتصادی ایفا کنند. چهارمین عنصر نقش مثبت و هدفمند دولت را می‌نمایاند به طوری که دولت حاکم مستبد و کارفرمای مطلق نباشد بلکه زمینه فعالیت سالم افراد را فراهم کند و خود نیز در چارچوب احکام اسلامی ایفای نقش کند. مهم‌ترین اصولی که باید در فرایند توسعه مدنظر قرار گیرند را می‌توان در سه حوزه مبانی، مسائل و کاربردها طبقه‌بندی کرد. اصول حوزه مبانی به طور عمده از آموزه‌های جهان‌بینی اسلامی نشئت می‌گیرد که خدامالکی و خداباوری از مهم‌ترین آن‌ها است که باید در تمامی رفتارهای فردی و

سازمانی مدنظر قرار گیرد. اصول حوزه مسائل و کاربردها عمدتاً از احکام و اخلاقیات اسلامی منشأ می‌گیرند. اصل مالکیت مختلط (خصوصی، عمومی و دولتی با قلمروهای مشخص)، اصل بازارهای اسلامی، اصل مشارکت مردم، اصل هدایت و نظارت دولت، اصل استقلال و عزت ملی، اصل استفاده بهینه از منابع طبیعی و انسانی، اصل عدالت و انصاف در تمامی روابط اجتماعی، اصل تضمین حداقل زندگی آبرومندانه، منع اسراف، اصل برادری و اخوت اسلامی، اصل برابری و کرامت انسانی، اصل منع تداول ثروت در دست اغنیا از جمله مهم‌ترین اصول است (چپرا، ۱۳۸۳: فصل چهارم؛ نوبخت، ۱۳۹۰: ۲۴۱-۲۴۲؛ البراعی، ۱۹۸۵: ۲۳؛ فراهانی فرد، ۱۳۸۴: ۱۱۷-۱۲۰).

یکی از جنبه‌هایی که در توسعه با رویکرد اسلامی باید مدنظر قرار گیرد موضوع شاخص‌های توسعه اقتصادی است که در این زمینه کار چندانی به وسیله اقتصاددانان مسلمان انجام نشده است. در همایش ملی شاخص‌های الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت برخی شاخص‌ها در چهار دسته فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی - مدیریتی، سیاسی - امنیتی و حقوقی - قضائی ارائه شده است که از اولین تلاش‌ها در این جهت است و البته هنوز ابتدای راه است (همایش ملی شاخص‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۰).

کتاب‌شناسی

قرآن کریم

العسل، ابراهیم (۱۳۷۸). توسعه در اسلام، ترجمه عباس عرب، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (۱۳۹۰). چکیده مقالات همایش ملی شاخص‌های الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری.

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰). بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، در کتاب نخستین نشست

اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: پیام عدالت.

الربشهری، محمد (۱۴۲۲). التنمية الاقتصادية في الكتاب و السنة، قم: دارالحديث.

عربی، سیدهادی (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی نظریات رفاه و بهروزی»، جستارهای اقتصادی، ش ۱۵.

عربی، سید هادی، علیرضا لشکری (۱۳۸۳). توسعه در آینه تحولات، تهران و قم: سمت و پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

چپرا، عمر (۱۳۸۳). اسلام و توسعه اقتصادی، ترجمه محمد تقی نظریور و سید اسحاق علوی، قم: دانشگاه مفید.

فراهانی فرد، سعید (۱۳۸۴). «درآمدی بر توسعه پایدار در عصر ظهور»، اقتصاد اسلامی، س ۵، ش ۲۰.

مصباحی، غلامرضا و عربی، سیدهادی (۱۳۷۷). مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: سمت.

موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۸). صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.

نوبخت، محمدباقر (۱۳۹۰). الگوی مطلوب توسعه ایرانی اسلامی، در کتاب نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران: پیام عدالت.

Arabi, seyed Hadi (2016). "Well-being orthodox theories and Islamic views", *International Journal of Social Economics*, Vol. 43, No. 2.

Crocker, D. A. (1992). "Functioning and Capability: The Foundation of Sen's and Nussbaum's Development Ethic", *Political Theory*, Vol. 20 No.4, pp. 584-612.

Gasper, Des. (2005). "Subjective and Objective Well-Being in Relation to Economic Inputs: Puzzles and Responses", *Review of Social Economy*, Vol. 63, No. 2, pp. 177-206.

Al-Buraey, M. (۱۹۸۵). *Administrative Development: An Islamic Perspective*, Kegan Paul International, London.

سیدهادی عربی

گروه اقتصاد، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه قم، قم، جمهوری اسلامی ایران